

مروری کوتاه بر نقش مدارس خودگردان در تحصیل کودکان افغانستانی در ایران

دایره تنگ عدالت آموزشی

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان



مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

وضعیت نارنجی؛ وضعیت مدارس خودگردان پس از موج‌های اخیر مهاجرتی

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

مهرگان

تاریخچه مدارس خودگردان

قبل از شنیدن صدای اولین مدیر مدرسه خودگردانی که با او تماس گرفتم، گزارش‌هایی را می‌خوانم از مدرسه‌شان؛ مثل همه مدارس خودگردان دیگر، فضای کوچکی دارد که ماندنش را در تهران هم دیده بودم. وقتی برای اولین بار پا در حیاط یکی از مدارس گذاشتم، منظر رسیدن به ساختمان اصلی بومد که فهمیدم کل محوطه مدرسه همین خانه کوچک است. حیرتم از آن بود که چطور ۲۰۰ کودک در آن حیاط جا می‌شدند؟ چطور می‌دویدند و بازی می‌کردند؟ در مدرسه‌ای که من درس خوانده بودم، حیاط و ساختمان‌ها آن قدر بزرگ بود که گاه برای مواظبت از بچه‌ها دو، سه ناظم در حیاط می‌ایستادند. حالا اما تصور این مدرسه با دیدن نمونه‌هایش در تهران آسان‌تر بود. صدای جوان مدیر از پشت تلفن می‌آید؛ در جواب سؤال من که از تاریخ مدارس خودگردان می‌پرسم، می‌گوید:

-من ۱۵ساله که در این حوزه مشغولم، از سال ۱۳۸۶ دبیر بودم تا سال ۱۳۹۳ که تصمیم گرفتم با همکارم این مدرسه را افتتاح کنیم. تا جایی که من اطلاع دارم مدارس خودگردان در این استان از سال ۱۳۶۱ فعال بودند که تا قبل از فرمان رهبری به سختی ادامه می‌دادند؛ چندین نفر از دوستان و آشنایان به‌خاطر فعالیت در این مدارس دیپورت شدند، زندان رفتند و مشکلات زیادی برایشون پیش میومد تو اون سال‌ا. خود بچه‌ها از پشت‌بوم فرار می‌کردند، کتاب‌هاشون رو قانیم می‌کردند، وقتی مأمور میومد توی مدرسه، کتاب قرآن می‌داشتن جلوشون تا نفهمن دارن درس یاد می‌گیرن. یا خود من جایی درس می‌دادم که به‌خاطر سرمای خیلی زیاد به بچه‌ها می‌گفتم هرچی پارچه به‌دردنخور دارن با خودشون بیان که به شکل تشک زیرشون پهن کنن. سال‌های اخیر خوشبختانه از این جهت‌ها بهتر شده؛ ما تونستیم نیکمت پیدا کنیم براشون. بعد از فرمان رهبری (۱۳۹۳) تعداد مدارس خودگردان کمتر شد چون بچه‌ها وارد مدارس دولتی شدن.

در دهه ۱۳۷۰ و پس از پایان جنگ تحمیلی به تدریج سیاست رسمی ایران در قبال مهاجران افغانستانی تغییر یافت. در آذر سال ۱۳۷۱ دولت ایران با دولت افغانستان و کمیسرایای پناهندگان سازمان ملل قرارداد سه‌ساله‌ای با هدف بازگشت مهاجران به کشورشان امضا کرد. در سال ۱۳۷۲ نیز طرح «بازگشت آوارگان افغان به موطنشان» در شورای عالی امنیت ملی تصویب شد و وزارت کشور و کمیته هماهنگی امور آوارگان اجرایی کرد. در همین راستا دولت

شرکت کارن تولید کننده ماسک سه لایه پزشکی استاندارد ویژه بزرگسال و کودک

- تولید بر اساس استانداردهای روز دنیا و ارائه محصولی کاملا بهداشتی و استریل
- دارای تاییدیه اداره کل تجهیزات پزشکی
- التهآه به استاندارد ISO 13485:2016 و اصول GMP
- دارای دو لایه پارچه اسپان باند و لایه میانی ملت بلون با فیلتراسیون بیش از ۹۸٪
- دارای کش استاندارد پنبه‌ای پرس شده با انعطاف بالا، مناسب برای همه افراد



برای ثبت سفارش با واحد فروش به شماره ۰۲۱۸۸۹۹۶۰۰۲ دافلی ۱۴۰۶ و یا تلفن همراه ۰۹۱۹۷۲۷۰۳۱۹ تماس حاصل فرمایید.

				didi_mask
27839707	IRC 3468072251134532			www.didikalam.com